

جایگاه معنویت و معنویت‌گرایی در نظام تربیتی اسلام

غلامرضا نظری*

چکیده

با توجه به مسئله معنویت و ظهور جنبش‌های نوپدید معنویت‌گرایی در جهان معاصر، تحقیق موجود، نخست به بررسی مفاهیم معنویت و معنویت‌گرایی، اهمیت، پشینه، اهداف و عوامل پیدایش آن پرداخته است. اگر معنویت‌گرایی امروزه در جهان معاصر مورد توجه خاص اندیشوران جهان قرار گرفته است، به دلیل تشدید بحران اخلاقی و رفتارهای فردی و اجتماعی جامعه بشری می‌باشد، از این رو، این مهم، اندیشوران را وا داشته است که آنان در راستای این مسئله قلم فرسایی کنند.

با توجه به این مسئله، محوریت مقاله موجود، نیز به ابعاد چالش‌ها تربیتی و پیامدهایی معنویت‌گرایی در جهان معاصر مبتنی می‌باشد؛ چون کثرت جنبش‌های نوپدید در ده‌های اخیر غالباً از خلأ تربیتی معنوی و کنار گذاشتن پیام‌های اصیل دینی به وجود آمده‌اند؛ بدین سبب، معنویت در نزد این جنبش‌ها؛ بدور از باورهای دینی حکایت دارد و شکل می‌گیرد. لذا عوامل ظهور پدیده جنبش‌های معنویت‌گرایی مورد بررسی قرار گرفته است این بخش از مطالب به غنای مقاله افزوده است.

واژگان کلیدی: معنوی، معنویت‌گرایی، جنبش‌های نوپدید معنویت، جهان معاصر،

مقدمه

قبل از رنسانس، در جهان بینی علمی و فلسفی تغییراتی رخ داد که سبب شد که رنسانس تحقق یابد و از جهان تصویری مکانیکی ارایه شود. همین امر، سرآغاز مرحله‌ی نوینی در تاریخ بشر شد و مبنای بینش دینی را به چالش کشانید. در این دوره، با ظهور افرادی مانند دکارت، بیکن، گالیله، نیوتن و غیره، جهان به عنوان ماشین نگرسته شد و در نتیجه، جهان را

مکانیکی و فاقد شعور فرض کردند و حتی نقش خداوند را در حد نقش یک ساعت ساز تنزل دادند. این عوامل باعث شد که قوانین حاکم بر حرکت یک ماشین، جایگزین قوانین الهی و عقل بشری جایگزین اراده‌ی الهی گردد.

لذا این گونه نگاه‌های موجود به عالم هستی به صورت نرم در حوزه‌ی از معاریف و علوم وارد شد و حاکمیت قوانین کمی (ریاضی) بر مفاهیم متافیزیکی (معنوی و قدسی) فربه‌تر شد و به همان اندازه باور به امر مقدس کمرنگ گردید.

علم‌گرایی^۱ نیمه دوم قرن ۱۹ و نیمه اول ۲۰ که تجربه‌پذیری را به عنوان مهمترین شرط علمی بودن هر پدیده تلقی می‌کرد؛ با پذیرش پیش شرط تجربه‌پذیری در ابتدا بر عدم امکان بررسی و بحث در باره عالم ماوراء و سپس بی‌معنایی آن صحه گذاشت. تلقی بی‌معنایی عالم ماوراء و ذهنی بودن آن، اندک اندک شائبه ساختگی آن از سوی ذهن بشر برای پاسخ به ندانی‌های خود را به میان کشید تا جایی که برخی متفکران چون آگوست کنت^۲ مدعی شدند که دین به دوران طفولیت فکری انسان مربوط بوده است و با پا گذاشتن به عرصه علم، دیگر به توجیهای دینی برای پدیده‌های هستی و از جمله امور انسانی نیازی نیست.^۳ هر چند این نوع مبارزه سرسختانه در نیمه اول قرن بیستم، نوید حذف دین از حوزه زندگی انسان مدرن را می‌داد و انتظار می‌رفت که پیش‌بینی متفکران تأثیر گذار قرن نوزده کسانی چون (آگوست کنت، اسپنسر^۴، دورکیم^۵، وبر^۶، مارکس^۷، و فروید^۸) مبنی بر اینکه دین بتدریج اهمیت خود را از دست خواهد داد و با ظهور جامعه صنعتی افت آن چشمگیر

پس از گسترش این ایده که توانای بشر در تأمین سعادت و بی‌نیازی او از دین و تعالیم مقدس، در مغرب زمین؛ و شعار «عقل»، «طبیعت» و «پیشرفت» می‌تواند بهشت موعود را در

1. Scientism

2. August Comte

3. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۳)، ص ۶۲۴ سیر حکمت در اروپا، حکمت سقراط و افلاطون.

4. Herbert Spencer

5. Emil E Durkeim

6. Max weber

7. Karl Marx

8. Sigmund Freud

زمین بنا کند^۱ و فریاد استغنا از دین، معنویت و خدا را در زمین رها سازد؛ اما با گذشت چند قرن، بشر چهره بشری بودنش را لگه دار ساخت و دو جنگ ویرانگر جهانی و با آسیب‌های گسترده محیط زیست به واسطه تکنولوژی و رشد دانش بشری در سایه سه شعار عصر روشنگری، تردید جدیدی را پدید آورد که آیا عقل برای فهم هر آنچه که به سعادت بشر می‌انجامد کافی خواهد بود؟ آیا طبیعت تنها حقیقت هستی است؟ آیا پیشرفت علمی و مادی می‌تواند به خوش‌بختی و کامیابی بشر منجر شود؟

بی‌گمان، تردیدهای موجود مرحله نوبنی را برای تمدن کنونی بشر ایجاد کرده که آن را دوره پست مدرن می‌نامند. در این دوران مرز میان مدرن و کهن کمرنگ شده و بشر درمان ناکامی‌ها و جبران شکست‌های خود را در میراث کهن بشری، از جمله معنویت می‌جوید.

با توجه به شکست علم، تکنولوژی، اصالت عقل دنیا اندیش، طبیعت گرایی افراطی و نفی ماوراء طبیعت، زمینه رویش و پیدایش فرقه‌های نوظهور معنویت‌گرا را فراهم کرد. و معنویت‌های نوظهور می‌کوشند تا عالم غیب و فرا طبیعت را با راه‌هایی مرموز و سحر آمیز و غیر عقلانی جستجو کنند. «اکنکار^۲» مصداق بارز این نو نگرش به عالم است که با طرح ایده سفر روح به عوالم بالا از طبیعت فرا رفته و با راه‌هایی که پیشنهاد می‌کند عقل را با شیوه‌های دیگری جایگزین کرده و می‌خواهد به جای پیشرفت در زمین، تعالی و عروج روح را به انسان معاصر پیشنهاد کند.

معنویت که امروز مطرح می‌شود دارای اقسام مختلفی از جمله معنویت متحجرانه، معنویت دنیوی، معنویت ستم پذیرانه و معنویت اسلامی است. معنویت متحجرانه، معنویتی است که با گریز از دنیا و دست کشیدن از موهبت‌های دنیوی شکل می‌گیرد. معنویت دنیوی، معنویتی برانگیخته از انگیزه‌های دنیوی است. معنویت ستم پذیرانه، تن دادن به هر ذلت و خواری را برای فردی معنوی مجاز می‌شمارد. نوع چهارم از معنویت، معنویت اسلامی

۱. لوسین گلدمن، فلسفه روشنگری، ترجمه شیواکاوایانی، ص ۱۹.

۲. اکنکار eckankar: جنبش معنوی جدیدی است که در ۱۹۶۵ در ایالات متحده بنیان گذاشته شد. این جنبش بر ممارست معنوی که ممارست کنندگان را به تجربه آنچه پیروانش «نور و صوت الهی» می‌نامند، قادر می‌سازد. تجربه شخصی از این نور و صوت معنوی هدف اولیه این روش می‌باشد؛ و ادعا می‌کند که مسیر درونی شخصی، منحصربه‌فرد و فردی را به سوی فهم خود به عنوان روح و توسعه آگاهی بالاتر «هوشیاری» و خدا را فراهم می‌کند.

است. این معنویت، ابعاد طولی و عرضی دارد و همه ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد، معنویت طولی، همان رابطه انسان با خداست و وقتی این معنویت در ساحت اقتصادی و فرهنگی ظاهر شود، معنویت عرضی است.

مفهوم معنویت

هنوز اتفاق نظر کامل درباره تعریف معنویت و معنویت‌گرایی وجود ندارد. شاید دلیل دشواری تعریف معنویت این باشد که هسته و مرکز معنویت حالت منحصر به فرد و رمزگونه و غیر همگانی است.

کلمه‌ی Spirituality (معنویت) از کلمه لاتین Spiritus، به معنی «نفس» از ریشه‌ی Spirare، به معنی «دمیدن» یا «نفس کشیدن» می‌آید. در ترجمه‌های لاتین انجیل عهد جدید، spiritualis یا شخص معنوی به کسی گفته است در زندگی‌اش تحت امر یا نفوذ روح‌القدس یا روح خداست. اسم معنی spiritualitas (معنویت)، که دست کم از قرن پنجم (میلادی) به کار رفته، این معنای انجیلی را حفظ کرد. لکین در قرن دوازدهم، معنویت کم کم دلالت‌های نوعی کارکرد روان‌شناختی مجازی را پیدا کرد که در تضاد با جسمانیت یا مادیت بود.^۱ «معنویت» در لغت عربی مصدری جَعَلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است.^۲ بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است.

و در اصطلاح، معنویت را امام خمینی (ره) این‌گونه تعریف نموده است: «معنویت، مجموع صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم، به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد ... وجه غالب اساسی در معنویت، توجه به خدا و

۱ دیوید ام. وولف، روانشناسی دین، ترجمه، محمدی دهقادی، ص ۳۸.

۲. رج؛ لغتنامه دهخدا، ماده معنا و معنوی.

انجام عمل برای اوست، هم در نیت و هم در عمل، خدا را حاضر و ناظر دانستن معنویت است.^۱

شهید مطهری (ره) می‌نویسد: معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و این که در او پرتوی غیرمادی حاکم و مؤثر است، اساساً امکان پذیر نیست» (مطهری، بی تا، ص ۱۷).

و آقای موری و زینتر^۲ ۱۹۸۹ در باره مفهوم معنویت این چنین می‌گویند: معنویت یک کیفیت روانی است که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد و در انسان ایجاد انگیزه می‌کند و احساساتی مثل درک هیبت الهی و احترام به خلقت را در شخص به وجود می‌آید. فرد معنوی در زندگی هدفمند است و معنوی زندگی را دریافته حتی در مواردی که فرد به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشد، بعد معنوی انسان را او می‌دارد تا درباره‌ی خلقت و جهان لایتنای اندیشه کند. زمانی این بعد مهم در زندگی برجسته و مهم می‌شود که انسان در برابر فشارهای عاطفی، بیماری‌های شدید و مرگ قرار گیرد.^۳

در مقابل، کالیفورد^۴ معنویت به مثابه یک اصطلاح مبتنی بر نگرش دینی، ابعاد علمی، بهداشت روان و بدون، باورهای فراطبیعی و اعمال دینی است.^۵ خلاصه، معنویت باوری بنیادین به وجود نیرویی برتر است که حاکم بر کل است و معنا و هدف هستی به شمار می‌آید.

اهمیت بحث

پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و بهره‌برداری بهینه از معنویت، چراغ روشن رستگاری است. معنویت در جواب‌گویی به بهزیستی شخصی و سلامت روانی مورد توجه بوده؛^۶ و از اهداف نظام تربیت اسلامی، سلامت روانی، تعالی بخشی به انسان، حراست از کرامت انسانی

۱. صحیفه، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۸.

۲. Morray & Zenter.

۳. شهریار، شهیدی و همکار، اصول و مبانی بهداشت روانی، ص ۴۰ و ۴۱.

۴. CullFord & L.

۵. رامین، تیرانی، بررسی جایگاه «معنویت» در الگوهای عمده‌ی سلامت، ش ۹.

۶. طباطبایی سید محمدحسین، معنویت تشیع، ص ۱۹.

۷. عبدی، جواد، بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام، ش ۱۲.

و پاسداری از ارزش‌های دینی می‌باشد. چون فلسفه دین اسلام و رسالت آن، برای راهنمایی بشر و به عزت و سعادت رساندن ابدی اوست.

اصولاً این جهان، جهان پرورش است، انسان‌ها اعم از خوب و بد همگی در حال پرورش یافتن هستند. «کلا نمد هؤلأء و هؤلأء من عطاء ربك و ما كان عطاء ربك محظورا» (اسراء، ۲۰).

معنویت که قرآن از آن سخن به میان می‌آورد، اینست که انسان قبل از ظهور وجود خویش در دنیا به آن نیازمند بوده است. به عبارت دیگر، بعد ملکوتی و روحانی انسان قبل از بعد مادی به معنویت لایزال (خدا) ارتباط دارد؛ و انسان در عالم الست در محضر ربوبی بوده و او را به روشنی شناخته است. چنانکه عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) می‌پرسد: کدام فطرت است که آیه شریفه «فطرة الله التي فطر الناس عليها» از آن یاد کرده است؟ امام فرمود: وقتی خداوند از بشر بر توحید خویش پیمان می‌گرفت به مؤمن و کافر فرمود: «ألست بربکم»؛ و همه گفتند: «قالوا بلی». ^۱ بنابراین، هر فرد از انسان در عرصه غیر طبیعی شاهد نیاز خویش به هستی معنوی بوده و علاوه بر آن، خالق حقیقی را شناخت نموده و با درک نیازمند بودن به او، اقرار نموده است.

این مطلب ژرف و بس عمیق از آیه میثاق به زیبایی قابل فهم می‌باشد. ^۲ منظور از معنویت در اسلام تعلق انسان به خدا و گرایش او به جهان غیب و ماوراء که در قالب دین و مذهب ظهور می‌یابد.

چون فطرت لایه‌ای مهم از وجود انسان و شأنی از هستی اوست که (همه‌ی وجود انسان را در برمی‌گیرد) در محضر خدا حاضر بوده و شاهد جلال، جمال، شکوه، کمال، نور، سرور، علم، قدرت، لطف، رحمت و سایر کمالات اسمائی و جلوه‌های صفات عالی الاهی است. از این جهت نیازها و گرایش‌هایی از جان آدمی سربرکشیده و او را به سوی سرچشمهٔ بیکران هستی و کمال، هدایت می‌کند. با این سرمایهٔ معنوی درونی و تکیه بر فطرت و دنبال کردن کشش‌ها و نیازهای فطری می‌توان به اصل هستی، زیبایی، عشق و

کمال رسید. کسی که کتاب فطرت را مطالعه کند به خدا می‌رسد و فطرت، هادی درونی و دعوت رسای خداست که از درون هر انسان برخاسته، او را به مقصد حقیقی و اصل خویش فرا می‌خواند. طبیعت انسان همین تن مادی است که بیشتر مردم خود را با آن اشتباه می‌گیرند و فراموش می‌کنند که در حقیقت روح‌اند و هویت اصیل شان منوط به فطرت و بعد ملکوتی وجودشان است.^۱

با این که صاحب نظران حوزه معنویت، بر نیازمند بودن انسان بر معنویت معتقدند؛ مانند اریک فرم که نیاز به معنویت را جزء ذاتی هستی همه انسان می‌داند. و آن را از قوی‌ترین منبع وجود انسان شمرده است.^۲

لذا هویت و حقیقت نفس، هویت تعلقی (تعلق به ماده) است؛ و نفس «اداره کننده امور بدن» است. اینکه اول ما خلق الله را روح فرمود، چون روح خاصیتش محبت به حضرت حق است. و نسبت به هنگام انعقاد نطفه، بارداری مادر و تولد کودک، دستور و نگاه ویژه به بعد روحی و معنوی انسان دارد. به عنوان نمونه دستورات روزهای اول تولد و قبل از آن مانند: اذان و اقامه به گوش نوزاد گفته شود؛ حاکی از واقعیت است که با نوا و

آهنگ الهی نیاز معنوی کودک تأمین گردد.^۳ لذا در نظام تربیت اسلامی، نخست تربیت باید از بعد معنوی آغاز گردد و آن‌هم در بدوی تولد انسان که باید او با اسامی خدا و یکتاگرایی ارتباط پیدا کند.^۴

مطالب فوق نشان از اهمیت بعد معنوی انسان را دارد. و نظریه که اصالت با نیازهای معنوی است را تأیید می‌کند. طبق این نظریه هر چند در انسان نیازهای مادی از نظر زمانی زودتر جوانه می‌زند و خود را نشان می‌دهد- چنانکه از حال کودک پیداست که از آغاز تولد در جستجوی شیر و پستان مادر است- ولی به تدریج نیازهای معنوی که در سرشت انسان نهفته است، می‌شکند بطوریکه در سنین رشد و کمال، انسان نیازهای مادی خویش

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲. آرسن نظریان؛ فصلنامه مشکوه شما ۹۹.

۳. «یا علی، إذا وُلِدَ لَكَ غَلامٌ أو جارية فأذِّنْ في أذنيه اليمنى وأقمِ في اليسرى؛ فإنه لا يضرُّه الشَّيطانُ أبداً» (تحف العقول، ۱۳). «الإمام الصادق عليه السلام: فيما يُفعلُ بالمولود إذا وُلِدَ: مُرُوا القابلةَ أو بعضَ من تليهُ أن تُقيمَ الصَّلَاةَ في أذنيه اليمنى؛ فلا يُصيبُهُ لَمَمٌ ولا تايعةٌ أبداً» الكافي، جلد ۶، ص ۲۳، حدیث ۲.

۴. ابن عباس از پیامبر (ص) چنین روایت می‌کند که: «إفتحوا علی صبیانکم أوّلَ کلمةٍ لا إلهَ إلا اللهُ؛ اولین کلمه‌ای که بر زبان فرزندان‌تان جاری می‌کنید «لا اله الا الله» باشد. (کنز العمال ج ۱۶).

را فدای نیازهای معنوی می‌کند. به تعبیر دیگر، لذت‌های معنوی در انسان، هم اصیل است و هم نیرومندتر از لذت‌ها و جاذبه‌های مادی است.^۱ چون بعد معنوی انسان با پرورش و تربیت دینی، شکوفا می‌گردد و انسان به حیات معنوی می‌رسد. در جامعه‌های بدوی نیازهای مادی نیز از نیازهای معنوی حکومت دارد. ولی به هر اندازه جامعه متکامل تر گردد، نیازهای معنوی ارزش و تقدم می‌یابند و به صورت هدف انسانی در می‌آیند و نیازهای مادی را تحت الشعاع قرار داده و در حد وسیله تنزل می‌یابد.^۲

پیشینه

می‌توان گفت که اولین مطالعه علمی روی ادیان نوظهور به دست جیمز مونی (۱۸۹۶)، در باره دین و رقص ارواح^۳ انجام شد؛ و در حدود نیمه قرن بیستم، جنبش‌های معنوی نوین به عنوان یک واقعیت اجتماعی مورد توجه دانشمندان قرار گرفت. اولین مطالعه در مورد این ادیان روی نهضت‌های افریقایی توسط ساند کِلِر (۱۹۴۸) انجام گردید. و پس از او، الین بارکر مؤسسه‌ای به نام Information را ایجاد نمود و بدین طریق، کانونی را برای مطالعه جنبش‌های نوین معنوی در انگلستان به وجود آورد.^۴

در امریکاه افراد نظیر برایان ویلسون، گوردن میلیتون و ...، در دهه آخر بیستم، چند دانش‌نامه در باره ادیان جدید و جنبش‌های معنوی نوظهور نوشتند. و در دهه اول قرن بیست و یکم، تحقیقات مربوط به جنبش‌های معنوی نوین ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت.^۵

اصطلاح معنویت، ظاهراً از سر زمین هند آغاز و در دنیای مسیحیت بروز یافت که از آن به روحانیت و مفاهیم مشابه یاد می‌شود. و واژه روحانیت از ریشه روح گرفته شده و معنای جان را می‌رساند. این کلمه از اصطلاحات یونانی و لاتنی «Nebulous» و «Ambiguous» معادل spirit در انگلیسی گرفته شده است.

۱. بوعلی سینا، اشارات، نبط ۴۸ نقل از مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۹۱.

۳. Ghost Dance . ۳

۴. مجله مطالعات معنوی، ش ۲، سال ۱۳۹۰.

۵. مجله مطالعات معنوی، ش ۲، سال ۱۳۹۰.

برخی جنبش‌های نوظهور، ادعای قدمتی چند هزار ساله دارند؛ برای مثال «جامعه بین المللی برای شعور کریشنا» (ISKCON) مدعی است قدیمی‌ترین سنت دینی جهان (از زمان کریشنا) است؛ یعنی از قرن سوم قبل از میلاد تا کنون. «سوکا گاکایی» (SGI) نیز معتقد است ارائه دهنده نوعی بودیسم است که به نیچیرن (در قرن سیزده ۱۲۸۲-۱۲۲۲) ارائه دهنده تعالیم اصیل بودا در سوترای نیلوفر، باز می‌گردد. مورمون‌ها معتقدند احیاگر کلیسای موقت و معتبری هستند که خداوند در زمان خلقت، به آدم اعطا کرده است. شهود یهوه هم مدعی تبعیت از همان نوع مسیحیتی هستند که در قرن اول مسیحی رایج بوده است؛ اما به تدریج از سوی جامعه مسیحی ترک شده است و بدین ترتیب مسیحیت به انحراف کشیده شده است.^۱

۱. عوامل و زمینه پیدایش جنبش‌های معنویت گرایی

زمینه و عوامل به وجود آمدن جنبش معنویت گرایی در جان غرب را، برخی مانند جناب چارلز تیلور از متفکران جهان مدرن غربی با یک پرسش بیان می‌کند: «چرا در حدود سال ۱۵۰۰، در جامعه غربی ما، تقریباً محال بود که به خدا ایمان نداشته باشیم، در حالی که در سال ۲۰۰۰ بسیاری از ما نه تنها بی‌ایمانی را سهل می‌یابیم بلکه چاره‌ای از آن نداریم؟»^۲

بنابراین، به طور کل می‌توان دو عامل مهم را در پیدایش جنبش‌های معنویت گرایی در غرب، مورد بررسی قرار داد که یکی عامل درون دینی است و دوم عامل برون دینی:

۱-۱. درون دینی

معنویت گرایی در جهان غرب که امروز به یک معضل اجتماعی - جهانی تبدیل گردیده است؛ و در این جا می‌توان به چندتای از زمینه‌های پیدایش این جنبش اشاره کرد:

الف) نبود پاسخ‌گویی کلیسا به نیازهایی معنوی جامعه؛ نبود کارایی کلیسا از چند جانب قابل بررسی است: نخست عمل نکردن کشیشان به وظایف دینی خود یک از عدم کارایی کلیسا می‌توان شمرد؛ تا جای که نقل شده در آلمان از هر چهارده نفر کشیش تنها یک نفر به وظیفه خود عمل می‌کردند. این نابه‌سامانی در کلیسا تا حدی شایع شده بود که

۱. حمیدیه، بهزاد، معنویت گرایی‌های نوین از دیدگاه جهانی شدن، کتاب نقد، ش ۴۵.

۲. وحید سهرابی فر و همکار، پیامدهای مدرنیته برای معنویت گرایی، دوره ۲۳، ش ۱.

در برخی موارد، حتی بالاترین مسئول کلیساها، یعنی پاپ نیز با حذف رقبا و از طریق غیر متداول این جایگاه را به دست می‌آورد. دیگر، فقدان نظام آموزشی لازم برای کشیشان که ناکارآمدی آن‌ها را سبب شده بود، از قبیل معافیت از مالیات و رواج باورهای مانند آموزش گناهان که زمینه‌ساز تجارت پرسودی برای کلیساشده بود، همگی از دلایل نارضایتی مردم از کلیسا و رخ دادن پدیده روحانی ستیزی شده بود.^۱ لذا در تصویر جدید، رسیدن به خدا و معنویت در هر محیطی اعم از دیر، صومعه، کلیسا و آهنگری و کشاورزی و دامداری و ... مقدور شد.

لذا کالین کمپبل در باره‌ی پیامد منفی این عمل کرد کلیسا را چنین بیان کرده است: اعتقاد به استاندارد مسیحی در باره بهشت و دوزخ، به شکل وسیعی کاهش یافته است (به طوری که هم اکنون به عقاید اقلیت تبدیل شده است؛ مانند عقیده به هیولای دماغه دریاچه یا بشقاب پرنده). با این حال، عقیده به تناسخ بالاتر رفته است.^۲

(ب) تغییر مفهوم مقدس و نا مقدس؛ به نظر تیلور و به تأیید مگ گراث متأله مسیحی، تغییر نگاه عموم مردم نسبت به مسئله مقدس^۳ و نامقدس^۴ است. در نگاه جدید مقدسات صرفاً به کلیسا، کشیشان و کتاب مقدس محدود نمی‌شد، بلکه سراسر هستی، از آن روکه تجلی خداوند است، مقدس شمرده می‌شد.

این نگاه مرکز ثقل زندگی دینی را تغییر داد و امور مقدس را نه در مکان‌های خاص یا صرفاً محدود به امور مقدس، بلکه در همه جا قابل حضور می‌دید. حاصل این تغییر آن است که دوگانه‌گی مقدس - نامقدس از بین رفت؛ زیرا تقدس توانست در هر فرد، مکان یا زمانی تحقق پیدا کند؛ یعنی امر مقدس بسیار وسیع‌تر از گذشته تصویر شد. زیرا نگاه جدید معتقد بود خداوند همه انسان‌ها را در یک مکانی، حتی در حال اشتغال به زندگی روزمره، تقدیس می‌کند.

۱. همان.

۲. حمیدیه، بهزاد، معنویت‌گرایی‌های نوین از دیدگاه جهانی شدن، شرقی شدن، ش ۴۵.

۳. sacred.

۴. profane.

این نگاه چرخشی، امر مقدس و نامقدس را به چالش کشید و زمینه‌ساز تغییرات بسیاری شد. این نظم نوین تقدس را از هر ساحتی زدود و اجتماعی عاری از مفاهیم مقدس را پدید آورد. حتی مفهوم کلیسا، جای خود را به گروه‌های مصلان که به استادی معنوی متصلند می‌دهد، جدایی میان مومن و کافر، جای خود را به این ایده می‌دهد که تمامی موجودات، هر یک در درجه‌های از مقیاس معنویت هستند.^۱

۱-۲. برون دینی

در قرن هجده جریانات روشنگری که طیف و سیعی از اندیشوران را در بر می‌گرفت، نظریه‌های در زمینه‌ای مختلف چون شناخت هستی، اخلاقی، منابع اصالت، زیباشناسی و ... ایده‌های نوینی در زمینه اخلاق و رفتارهای اجماعی سخن‌گوشده شد که منجر به تغییر در زندگی انسان‌ها شد. در پی ابراز این‌گونه عقیده‌ها پیامدهای در جهان به دنبال داشت؛ از جمله نظریه سیاسی که اوج آن در جریان انقلاب فرانسه ۱۷۹۲ پدیدار شد که طی آن، حکومت پادشاهی و نیز سلطه و نفوذ کلیسا، هر دو، از بین رفتند.

الف) جدایی زندگی اجماعی از معنویت؛ تفکر رسیدن به قدرت و تسلط بر دیگری به هر نوع ممکن را ماکیاول مجاز دانست، زیرا او، نیرنگ و فریب کاری را برای تعقیب و حفظ قدرت سیاسی امر پسندیده می‌داند.^۲ او هر نوع کاری را برای فراهم آوردن شرایط تحکیم دولت مجاز شمرده است. و به نظر او سیاست از هر جنبه‌ی تقدس‌عاری می‌باشد.^۳ نوشته‌های ماکیاول در باب سیاست، الگو، گرچه تا حدودی ناقص، از واقعیات سیاسی جهان معاصر ماست. و نوسنده‌ی به اسم توسیدید می‌گوید: ماکیاولی‌ها معتقدند بروز نزاع‌ها از طبیعت بشر است.^۴ و دولت باید بر دولت همسایه سلطه داشته باشد.^۵ دین برای حفظ فضیلت مدنی و کسب شهرت اهمیت دارد. دین و اخلاق ابزار برای قدرت می‌باشند و اخلاق فرودستان را فرادستان و قدرت تعیین می‌کند.^۶

۱. حمیدیه، بهزاد، معنویت‌گرایی‌های نوین از دیدگاه جهانی شدن، شرقی شدن، ش ۴۵.

۲. ماکیاولی، شهریار، (۱۳۶۶)، ۱۵، ترجمه داریوش آشوری، ص ۱۵.

۳. جهانگیر، (۱۳۷۸)، ماکیاولی و اندیشه رنسانس، ص ۱۷.

۴. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.

۵. کلوסקو، ج. (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه سیاسی، ترجمه خشیار دیبیمی، ص ۶۳، ج ۳.

۶. لیدمان، س.ا. (۱۳۷۹)؛ تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس؛ ترجمه سعید مقدم، ص ۳۶.

با توجه به این گونه ابراز اندیشه‌های ماکیاولی و نظایر آن به نوع خود بدور از عدالت و مدنیت است اولاً؛ در واقع این تلاش است که نقش دین را در زندگی نادیده می‌گیرد ثانیاً؛ ما شاهد پیامدهای منفی این گونه نظریه‌ها در جهان غرب هستیم که باعث ظهور جنبش‌های اعم از معنویت‌گرایی غیر دینی شده که که جوامع را با مشکلات مواجه ساخته است ثالثاً.

(ب) دانش برای تخریب باورهای دینی؛ با رشد تکنولوژی و علم در غرب که بنا بود علم و دانش از مشکلات بشر بکاهد، متأسفانه این‌طور نشد بلکه این دست‌آورد بشری به ارزش‌های دینی جوامع آسیب رسان و مشکلات را چند برابر ساخت. کالین کمپبل توضیح می‌دهد فرایندی که در قرن نوزده و بیست در غرب به‌وجود آمد که در آن، نخست ظهور علم و دانش در خدمت تخریب مبانی ایمان مردم به دین سنتی در آمد و مردم دیگر به دیدگاهی که جهان را به دو پاره ماده و روح تقسیم می‌کند و آن را تحت حاکمیت و تدبیر یک خدای همه‌توان، شخصی و خالق می‌شمرد معتقد نیستند.^۱

(ج) نگاه ماده‌گرایانه به هستی؛ آغاز دوران مدرن، شاهد تغییرات نگاه به خلقت الهی بودیم که آنچه قابل مشاهده است، تحت عنوان طبیعت، مورد نظر قرار می‌گیرد. در این فضا جهان امری خودبسنده فرض می‌شود که نیازی به امور ماورایی و دنیایی والاتر ندارد. از همین رو، وجود هرگونه سلسله مراتب بین این دنیا و دنیایی دیگر مردود شمرده می‌شود.^۲

(د) نگاه سکولاریسمی؛^۳ مقصود از سکولاریسم، فروکاهش دین اصیل و روآوردن به معنویت ساخت بشری است. لذا سکولاریسم رویکرد را ارائه نمود که زمینه ظهور معنویت‌های جدید شد. شعار تفکر آنان، این است که اگر ادیان سنتی از داعیه‌های ایدئولوژیک و سیستم‌های شعائری و مناسکی خود که مایه تفارق و امتیاز آن‌ها از یکدیگر و گاه مایه برخورد و چالش هستند، دست بردارند و به یک زمینه مشترک و واحد (که بنا بر ادعا همان، معنویت است) اکتفا کنند، آنگاه می‌توان به یک دین جهانی و واحد رسید که دستمایه صلح جهانی و آرامش انسان‌ها خواهد بود.^۴

۱. حمیدیه، بهزاد، معنویت‌گرایی‌های نوین از دیدگاه جهانی شدن، شرقی شدن، ش ۴۵.

۲. وحید سهرابی فر و همکار، پیامدهای مدرنیته برای معنویت‌گرایی، دوره ۲۳، ش ۱.

۳. تعبیر سکولاریسم و همچنین اصطلاح سکولاریزاسیون در اصل از واژه لاتین «سکولاریس» گرفته شد و در زبانهای اروپایی نخستین بار در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم در قرارداد «وستفالی» به کار رفته است.

۴. حمیدیه، بهزاد، معنویت‌گرایی‌های نوین از دیدگاه جهانی شدن، ش ۴۵.

وجه اصلی سکولاریزاسیون دین عبارت است از تقلیل و فروکاهش دین از طریق زدودن هر آنچه با عناصر و مؤلفه‌های مدرنیته، خصوصاً امانیسم در تعارض است. امانیسم، با مفهوم «تعبد» که محوریت سوژه انسانی را محو می‌سازد، به طور اساسی، مخالف است و به مساعدت رانده شدن کانتی دین به حوزه عقل عملی و خاصیت تنظیمی صرف قائل شدن برای مفهوم خدا، می‌کوشد مفهوم وحی و دین وحیانی را کنار گذارد. دین، نتیجه امری انسانی و مطابق میل آدمی و صرفاً معنویتی در خدمت بشر می‌شود و ادیان جدید بر این اساس بنیان نهاده می‌شوند.

آنچه در حوزه معنویت بر آن تأکید شده است، آرامش به بشر ناآرام در اقتضات دنیای صنعتی هدیه دهند. معنویت‌های پست‌مدرن غالباً بر مبنایی اومانستی شکل گرفته و به جهان ماوراء خصوصاً خداوند متعال بی‌توجهند. و آن‌ها معنویت را نیاز عاطفی و روان‌شناختی انسان تلقی می‌کنند و الزامی در هویت‌بخشی دینی برای حل نیازهای معنوی نمی‌بینند (بست، ۲۰۰۸)، (۳۲۱).^۱ در مقابل متفکران دینی معتقدند اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می‌کند.^۲

با این حال انسان غربی با رد نمودن دین آسمانی هرگز نتوانست نیاز خود را به معنویت نادیده انگارد. لذا رو آورده به گرایش‌های معنوی ساختگی تا خود را به معنویت پسامدرن که نوعی طغیانگری علیه خدا و شریعت و آیین الهی است برساند و آرامش از دست رفته را باز یابد. چون در دیدگاه ماتریالیستی، دین تنها از وجه آرامش‌بخشی آن مورد توجه است؛ زیرا هرچه هست در همین جهان خلاصه می‌شود و خدا، دوزخ، بهشت و جهان دیگر توهمات ذهن بشری‌اند.

وحشتی که انسان غربی امروزه دچار آن است، ترس از نابودی و فنا شدن بعد از مرگ است؛ ترس از بی‌وجودی و اینکه عالم وجود یکسره چرخه‌ای بی‌معنا و بی‌فایده است؛ یک «سمسارا»^۳ ی پوچ و بی‌معنی که مرتب تکرار می‌شود و هرگز از خود فراتر نمی‌رود. در این

۱. ابوالقاسم بشیری، نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین باوری جوانان، ویژه نامه معرفت، ش ۸۷.

۲. جوادی آملی، ۱۳۸۷.

۳. سمسارا (Samsara) به معنای تناسخ در بسیاری از ادیان و مذاهب جهان (حتی نزد برخی فرقه‌های انحرافی جهان اسلام) با عناوین گوناگون وجود داشته و دارد، اما این عقیده در آیین هندو از اهمیت بیشتری برخوردار است. هندوان معتقدند آدمی همواره در گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر رنج گرفتار است.

نگرش، زندگی بشری در نهایت جز رنج چیزی نخواهد بود و انتهای زندگی این جهانی نیز به نابودی و پوچی منتهی خواهد شد، پس دیگر چگونه می توان شاد بود و احساس آرامش کرد؟.

در مقابل این پندار ماتریالیستی که مرگ را مساوی با نبودی می داند، تفکر نجادبخش اسلام مرگ را مساوی با حیات و از پوست طبیعت در آمدن می داند و هدف اصلی انبیا این بوده اند که اول ما را زنده کنند و بعد بیدار و عقل ما شکوفا نمایند تا زندگی و مرگی ما عقلانی شود اگر زندگی انسان زندگی عقلانی باشد مرگ او نیز مرگ عقلانی خواهد بود؛ چرا که مرگ عصاره زندگی است و انسان در هنگام مرگ عصاره زندگی خود را می چشد. انبیا آمدند دو حرف تازه به ما زدند یکی اینکه انسان، مرگ را می میراند نه بمیرد هیچ مرگی در برابر انسان نیست، چرا؟ برای اینکه حیات و ممات دنیا و آخرت ما در دست خداست و او فرمود «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (الانبیاء، ۳۵) هر کسی مرگ را می چشد.

به تعبیر علامه جوادی آملی انسان، مرگ را می میراند یعنی بعد از مرگ، مرگی نیست در برزخ مرگ نیست در صحنه قیامت مرگ نیست در بهشت مرگ نیست و ما هستیم ماییم که مرگ را می میرانیم ما می شویم اصل، او می شود فرع.^۱

عرفان و معنویت اکنکار، یکی دیگر از عرفان های نوظهور و سکولار آمریکایی است که توسط «پال توئیچل»^۲ متوفای ۱۹۷۱ پدید آمد. هدف اکنکار قادر ساختن انسان برای سفر روح و ترک کالبد فیزیکی و در نهایت رسیدن به سرزمین بهشت حقیقی بود. «توئیچل» از ادیان و عرفان های مختلف در تأسیس این فرقه بهره برده است. اکنکار در این نگرش تلاش داشته است تا بدون وحی و طریقت الهی و از طریق شهود عادی بشر، مسیر زمان را طی کند در حالی که اگر هم با شهود، مسیری را دریابد باز احتمال خطای شهود و خلط میان خیال متصل با منفصل وجود دارد.^۳

۱. جوادی آملی، درس تفسیر قرآن، ذیل آیه ۱۸۵ از سوره آل عمران.

۲. (جان پال توئیچل) (Paul Twitchell)؛ زاده ۲۲ اکتبر ۱۹۰۸ - درگذشته ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱) نویسنده و مؤلف معنوی آمریکایی و بنیانگذار گروه اکنکار بود او توسط اعضای آن گروه به عنوان یا استاد زنده اکنکار در زمان خود پذیرفته شد.

۳. خسروپناه، عبدالحسین؛ جریان شناسی ضد فرهنگ ها، ص ۲۲۵.

۲. نقض نظام تربیتی و بروز معنویت‌گرایی در جهان

دل مشغولیت‌های بی‌معنا و بدون نتیجه انسان معاصر، به نوعی به نظام تعلیم و تربیت جوامع بر می‌گردد که سبب شده انسان را از حقیقت وجودیش دور سازد. به طوری که امروزه شاهد وقوع نابسامانی‌های ناشی از این امر در سطح فردی و اجتماعی هستیم. قلمرو تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بستری است که می‌تواند در جهت سامان‌دهی و جهت‌بخشی معنویت در زندگی انسان‌ها نقش مؤثری ایفا کند؛ اما کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت موجب شده است که در دهه‌های اخیر، زمینه‌ساز ظهور و بروز رویکرد تربیت معنوی و معنویت‌گرایی گردد. معنویت، نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیرمادی مانند علم و دانایی، خیراخلاقی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش است که وجه تمایز انسان و سایر موجودات شمرده می‌شود. مفهوم این واژه، چند بُعدی بوده، برجسته‌ترین آن‌ها شامل بُعد روحانی یا فرامادی، عدم اهمیت به ارزش‌های مادی، آرمان‌گرایی، دارا بودن معنا، هدف، سلامت و تقدس در زندگی و اتصال به منشأ ربوبی است.

با توجه به نیازمند بودن بشر به معنوی و معنویت، در ده‌های اخیر شاهد تشدید و جدی شدن گرایش به این نیازمندی هستیم که عوامل سبب شده که جنبش‌های معنویت‌گرایی با گرایش‌های مختلف، بویژه در جهان غرب خودش را نشان دهند. بنابراین، جنبش‌های معنویت موجود غالباً ساخته و پرداخته‌ای بشر عادی می‌باشند. لذا از مبانی معرفتی پویا و از ساختار و محتوای تربیتی درستی برخوردار نیستند:

۲-۱. مبانی معرفتی

یکی از نقض‌ها و کاستی‌های معنویت‌گرایی جدید و غیر دینی امروزه، نقض مبانی معرفتیست. این جریان با پشت‌پازدن به واقعیت و ارزش‌های اصیل دینی، رو یا پشت به دنیا کردن است. به گفته‌ی والس^۱ مبناي معنویت‌گرایی به سه عبارت استوار می‌باشد: «دنیا‌گرایی، دنیا‌گریزی و دنیا‌پذیری». و تورنر^۲ با مبنا قرار دادن ویژگی‌های محتوایی در معنویت‌نوپدید نیز به سه دسته (نوبدوی، التقاطی و مستقل تقسیم می‌کند.^۳

۱. Wallis, R.

۲. Turner, H.W.

۳. باغنگلی و همکاران، فصلنامه علمی علوم تربیتی، ش ۲۰.

چالش دیگر پیشروی ناباورانی دینی، این است که انسان در نزد آنان مهم‌تر از خدا می‌باشد، امانیسم‌ها بر این عقیده‌اند که جهان، جز رنج نیست و انسان باید در جست‌وجوی رهای باشد^۱. در نگاه دینی، جهل انسان سبب می‌شود که پوچی دنیا را نادیده گرفته، به آرزوهای دراز گرفتار گردد. حق این است که هیچ چیزی از وجود حقیقتی و جاودانگی جز خدای برخوردار نیستند^۲.

در مقابل، امانیسم معتقد است که طبیعت، سراسر از حقیقت ساخته شده به گونه‌ای که ماده و انرژی اساس جهان است و ماوراءالطبیعه وجود ندارد. غیر واقعی بودن ماوراءالطبیعه به این معنا است که اولاً در سطح بشری، انسان‌ها دارای روح غیرمادی و جاودان نیستند و ثانیاً در سطح جهانی، عالم صاحب خدای غیرمادی و فناپذیری نیست.

و ناقدانی بر تفکرات امانیسمی مثل پاسکال در جهان غرب نیز پیدا می‌شوند که او اندیشه‌ی دکارت را مورد انتقاد قرار داده و گفته: من نمی‌توانم دکارت را ببخشم، در سراسر فلسفه‌اش می‌خواهد خدا را کنار بگذارد؛ ولی در گردش جهان به ناچار سرانگشت او را دخالت می‌دهد و بعد از آن، دیگر کاری به خدا ندارد.

تفکر امانیستی در فلسفه و الهیات بشر مدرن، در سدد تغییر واقعیت‌های اصیل برآمده است. چنین ابراز نظرهای امانیستی مشکلات بشر را دو چندان نموده است. «ایان باربور» می‌نویسد: اسپینوزا، مفهوم سنتی خدا را کنار گذاشت و نوشت که کل هستی غرض و غایتی ندارد؛ هرچند بر وفق قوانین عینی و انعطاف‌ناپذیر علت و معلول رخ می‌دهد.^۳

اینگونه پندارهای موجود در جهان، زمینه را برای بی‌دینی و گرایش به مادی‌گرایی را در جوامع فراهم ساخت. به فرموده علامه طباطبای، برای برون رفت از چالش تربیتی موجود جز تسلیم و مطیع بودن در برابر دستورات شریعت را دیگری وجود ندارد. او انسان را به‌طور ذاتی موجودی معنوی می‌داند. تربیت معنوی در اسلام در راستای تفصیل بخشیدن به میل و معرفت ربوبی و شکل دادن به ملکات نفسانی معنا می‌یابد. و مفهوم تربیت معنوی جهت-

۱. ایرانی، هادی، امانیسم در موج معنویت‌گرایی سکولار، ش ۴۵.

۲. «ما عِدَّكُمْ يَوْمَ مَا عِدَّتِ اللَّهُ بَاقٍ» (نحل، ۹۶).

۳. ایرانی، هادی، امانیسم در موج معنویت‌گرایی سکولار، ش ۴۵.

دهی به فرایند تجرد نفس متناسب با فطرت ربوبی او است در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن انجام می گیرد.^۱

۲-۲. چالش تربیتی

برخی از این نوگرایی معنویت براین باوراند که تربیت و اخلاق بستر مناسبی برای قرار دادن انسان در ساختن زندگی معنوی می باشد. و آنان «دین» و «اخلاق» را دو ساحت کاملاً متفاوت تلقی می کنند که هیچ تلازم ذاتی میان آن دو نمی دانند و اخلاق گرایی می تواند دینی یا غیردینی باشد. باور اخلاق گرایان در مورد ضرورت اخلاق گرایی در جامعه انسانی، به ظرفیت های موجود در انسان بر می گردد؛ چنانچه در فلسفه اخلاقی کانت، عقل عملی بشر و اراده خیری معطوف به کمال در درون آدمی، او را به کمال اخلاقی مکلف می کند. بنابراین، و با پذیرش این نگاه، عقل می تواند نظام اخلاقی تأسیس کند.^۲

نامتعهدهان به دین اظهار می دارند که سرسپردگی انسان به دین، مربوط به دوره ای بود که انسان به درجه قابل قبول از فهم ظرفیت های خود واصل نشده بود. با این گونه ابراز نظریه پردازی و محول ساختن انسان بر مبنا سازی اخلاق انسانی و جدای ساختن اخلاق از وحی و دین، زمینه ی به وجود آوردند که معنویت گرایی بخود چهره ی غیر دینی گرفته است.

لذا براساس رویکرد غیر دینی، تربیت معنوی به مفهوم تربیت اخلاقی است؛ اگر رشد در بعد عقلانی انسان محقق گردد، زندگی اخلاقی مبتنی بر عقلانیت نیز حاصل می شود. و مصالح عمومی سایر افراد نیز بر محوریت عقل بدور از خودمحوری مورد توجه قرار می گیرد. این دست آورد اخلاقی - عقلانی از تجارب بشر بدست می آید و ربطی به دین ندارد. یک اشتباه راه بردی و معرفتی برخی اندیشمندان که معنویت و تربیت معنوی را بدور از الزامات دینی (در پذیرش خدا، روز جزا، بهشت و جهنم و ...) برای تعالی فردی انسان در حیات این دنیا پذیرفته است؛ نزد این نظریه تربیت معنوی غیر از تربیت دینی مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۱. طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۶.

۲. محمد توکل و ابوالفضل مرشدی، خود آیینی و اجتماع اخلاقی در فلسفه اجتماعی کانت، نشریه فلسفه، س ۲۴، ش ۴، ۱۳۹۳.

بنابراین، طبق منابع دینی، مفهوم معنویت مبتنی بر «ایمان به ارکان دینی چون خدا، معاد و رسول» است. اما کاربرد این مفهوم در زمینه غیر دینی، تأکید بر ظرفیت وجودی آدمی در حل مسائل زندگی جاری، برای نیل به آرامش و کمال (نسبی) است. در توضیح این تفاوت می‌نویسد: «آموزش‌های مسیحیت بر این تأکید دارند که انسان باید شبیه به مسیح شود، به هم‌نوعان خود خدمت کند و تسلیم خداوند شود و به عبارت دیگر، خواسته خداوند را عملی سازد نه خواسته خود را»؛ در حالی که یانگ در تعریف معنویت می‌نویسد: «معنویت من، ابزار خویشتن من است، خوشتنی که برای زندگی کردن و برای تماس نزدیک‌تر با خودِ والاتر تلاش می‌کند». افلاطون پرورش اخلاقیات را زمینه‌ای برای تربیت معنوی می‌داند. وی اوج تربیت معنوی را تجلی زیبایی در روح و جسم افراد شمرده است. و هدف غایی تربیت را تربیت معنوی می‌داند؛ اما راه تحقق تربیت معنوی را تربیت اخلاقی شمرده.^۱ با این ترتیب، رویکرد که رشد شخصی را به عنوان معنویت درونی قلمداد کرده و معنویت را روشی برای بودن و تجربه کردن می‌داند که با آگاهی یافتن از یک بعد غیر مادی در راستای رسیدن به ارزش زندگی شخصی اطلاق می‌شود.^۲ این رویکرد معنویت را جایگزینی برای دین می‌بیند. در این رویکرد، معنویت، نیازی به تشکیلات نهاد دین را ندانسته، بلکه معنویت را امر شخصی و فردی شمرده است؛ یعنی آدمی می‌تواند معنوی باشد و به خدا معتقد نباشد.^۳

رویکرد دوم؛ ریشه معنویت را در دین و اعتقاد به خدا و ادیان الهی جست‌وجو می‌کند. طرفداران این دیدگاه، معتقد است که هیچ معنویت و معنویت‌گرایی راستین جدا از دین وجود ندارد و اگر کسی ادعا کند مورد پذیرش نیست.^۴

۳. اهداف معنویت‌گرایی

معنویت، ارتباط عمیقی با فضایل انسانی نظیر بخشندگی، مهربانی و شفقت دارد و به لحاظ سلامت روانی باعث فروکشی اضطراب و کاهش احساس تنهایی و نیز سبب افزایش عزت

۱. احمدی، شلحسوری، حدود و نفور تربیت اخلاق، تربیت معنوی و تربیت دینی، آموزشی، ش ۲.

۲. محمد جوادی الوندی، طرای الگوی مفهومی معنویت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۶۳.

۳. اسپیلکا و دیگران، روان‌شناسی دین، بر اساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقان، رشد تهران، ص ۱۴.

۴. همان، ۱۳.

نفس، توانایی ارتباط و شایستگی روانی می‌گردد. معنویت را چنین تعریف کرده‌اند: جستجوی امر قدسی، فرایندی که طی آن افراد با یک امر قدسی روبه‌رو می‌شوند و در راستای معنویت، رسیدن به آن امر قدسی زندگی خود را تغییر دهند.

۳-۱. رسیدن به آرامش و معرفت

برخی برای معنویت اهدافی را تراشیده‌اند؛ و اهداف معنویت را مواجه انسان با حقیقت، کاهش درد و رنج و تقویت گرایش انسان به و نیکوکاری دانسته‌اند.^۱ و در جای دیگر می‌گویند: هدف غایی انسان فرار از درد و رنج است و پدید آمدن دین و پذیرش آن نیز به گریز از درد و رنج بر می‌گردد و «بنیانگذاران دین برای گریز از درد و رنج ولو از راه معنایی برای آن، به سلوک کشیده شدند... در ناحیه متدینان، منشأ ایمان آوردن گریز از درد و رنج است»^۲

پس آرامش غالباً یکی از اهداف معنویت در نزد همه‌ی معنویت‌گرایان می‌باشد؛ اما با تمایز مبنایی در آن، آرامش که اسلام از آن حرف به میان می‌آورد، بر یک مبنای واقعی و الهی استوار است و با رسیدن به چنین معنویت، آرامش راستین و پایدار و همراه با بیداری و بینایی برای طالب آن به ارمغان می‌آورد. یعنی بگونه آغاز و انجام همه فعالیت‌های فکری و رفتار او را معنویت در بر می‌گیرد.^۳

در مقابل، آرامش یا سکون مذموم و جنبه تخدیری و تلقینی وجود دارد که با برخی مواد و داروها یا حرکات ذکرهای نامفهوم و بدون هدف به طور موقتی ایجاد می‌شود؛ یا در آن سکون، آرامش معنامند، هدفدار، حرکت‌زا، تحول‌آفرین و مسئولیت‌آوری همراه خواهد بود که با درک و درد و حرکت و تحول توأم است.

لذا استاد جوادی آملی در این زمینه می‌فرماید: سکون دو قسم است: سکون قبل از حرکت که مذموم است و سکون بعد از سکون بعد از وصول که بسیار ممدوح است؛ چنان‌که در حرکات‌های ظاهری نیز همین‌گونه است. کسی که اهل تلاش و کوشش و

۱. ملکیان، مصطفی، حوزه و دنیای جدید: قداست، عقلانیت، علمانیت، راه نو، ش ۴۹.

۲. نوری، ابراهیم و همکاران، عقلانیت و معنویت: مبانی و اهداف، س ۴۸، ش ۲.

۳. «هوآلذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم» (الفتح، ۴)؛ سکینه آرامش و وقاری است که نفس مطمئنه، آن را واجد می‌گردد و توفیق و مشیت الهی در آن یک اصل است.

حرکت نیست، در گوشه‌ای آرمیده و ساکن است یعنی اصلا حرکت نکرده است؛ اما کسی که حرکت کرده و به مقصد رسیده، مقصود خود را در مقصد می‌یابد و در آنجا آرام می‌شود. سکون قبل از حرکت، تحجر و رکود و جمود و غفلت است؛ ولی سکون بعد از حرکت، وصال، شهود، طمأنینه و أمن است.^۱

پشتوانه این گونه آرامش، خدا باوری است که کانون قدرت، انرژی، حکمت و علم را تشکیل می‌دهد؛ و با ارتباط و تکیه به او، آرامش مبنایی جاودانگی را بخود می‌گیرد؛ چون باور به خدا او را به موقعیتی می‌رساند که از سوی خدا هرگز شری به او نمی‌رسد؛ بلکه هر چه از او است خیر و لطف و عنایت است.

بنابراین، یکتاپرستی آثاری چون آرامش، واجد توفیق و ازدیاد ایمان را در پی دارد: «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم» (الفتح، ۴)؛ سکینه آرامش و وقاری است که نفس مطمئنه، آن را واجد می‌گردد و توفیق و مشیت الهی در آن یک اصل است.

البته این گونه سکینه، وقار و نفس مطمئنه‌ای وسیع و پایدار بجزء از دین و مذهب میسور انسان نمی‌شود؛ لذا اینشتین دانشمند مشهور تاریخ در این باره چنین سخن گفته است: از میان مذاهب، مذهب هست که زمانی برای انسان حالتی معنوی و روحی حاصل می‌شود که در آن حالت از این خود محدود که به واسطه آمال‌ها و آرزوهای حقیر و خرد احاطه شده است ناگاه بیرون می‌آید و از این زندان رها می‌شود و در آن هنگام است که به نظاره کل هستی می‌نشیند و وجود را همچون حقیقتی واحد در می‌یابد و عظمت‌ها و شکوه‌ها و جلال‌های ماورای پدیده‌ها را به عیان می‌بیند و حقارت و ناچیزی خود را متذکر می‌گردد و آنگاه است که می‌خواهد با کل هستی متصل گردد.^۲

۲-۳. رسیدن به قدرت روحی

گسره معنویت در نزد دین‌باوران، در بردارنده‌ی جست‌وجوی مداوم برای معنا و عمق بخشیدن زندگی، بسط نیروهای طبیعی و بسط نظام عقیدتی فردی خواهد بود. معنویت شیوه‌ای است که در آن، شخص بافت تاریخی خویش را در می‌یابد و با آن زندگی می‌کند

و جست‌وجویی برای انسان شدن و آگاهی یابی در راستای بهبود زندگی تلاش می‌کند. آندره‌هیل در کتاب «زندگی معنوی»، معنویت را قلب هر دین می‌داند و زندگی معنوی در نظر وی، زندگی کامل و اصیلی است که انسانیت برای آن ساخته شد.^۱

لذا زندگی همراه با معنویت به انسان ثبات و قدرت می‌بخشد و از روحیه شکست‌ناپذیری برخوردار می‌سازد. و خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که برای کسب نیرو و سعه صدر بیشتر در برابر انبوه از مشکلات، به تسبیح پروردگار و نیایش و سجده بر آستانش روی آورد، این تمسک به معنویت یعنی خداوند اثر عمیقی در تقویت روح و ایمان و اراده آدمی دارد (حجر، ۹۷-۹۹).

ایمان به غیب، باعث استواری و تعادل روحی انسان می‌شود. پیشرفت علم پزشکی ثابت کرده است که بیشتر بیماریهای روانی، مولود بی‌ایمانی و تزلزل عقیده است؛ زیرا هنگامی که انسان برای خود پناهگاهی نیابد در هر پیشامدی مانند پیری خاطرش پریشان می‌شود و احتمالاً در ورطه بحران روانی سختی فرو می‌گردد. اما کسی که به خدا عقیده داشته باشد، در مقابل هرگونه رویدادی با نیروی ایمان و اعتقاد به خدا ایستادگی و مقاومت کرده، متانت روانی و آرامش عصبی خویش را محفوظ می‌دارد و از روان پریشی و افسردگی مصون می‌ماند. و ترسی از وجود او نا‌پدید می‌شود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲)؛ آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.

و چرا برای دوستان خدای متعال ترس و اندوهی راه ندارند؟، زیرا خوف و ترس معمولاً از احتمال فقدان نعمتهایی که انسان در اختیار دارد و یا خطراتی که ممکن است در آینده او را تهدید کند، ناشی می‌شود، همانگونه که غم و اندوه معمولاً نسبت به گذشته و فقدان امکاناتی است که در اختیار داشته است، اولیاء و دوستان راستین خدا از هر گونه وابستگی و اسارت جهان ماده آزادند، نه با از دست دادن امکانات مادی جزع و فزع می‌کنند و نه ترس از آینده در این گونه مسائل افکارشان را به خود مشغول می‌دارد.

چون عزت و شکست‌ناپذیری را آنان از آن خدا است و در برابر اراده حق از دشمنان کاری ساخته نیست او از تمام نقشه‌های آن‌ها با خبر است، سخنان‌شان را می‌شنود و از اسرار درون‌شان آگاه است «و لا یحزنک قولهم إن العزّة لله جمیعاً هو السميع العليم» (یونس، ۶۵) و «... والله العزّة و لرسوله و للمؤمنین...» (المنافقون، ۸).

۴. آثار مخرب معنویت‌گرایی غیر دینی

معنویت‌گرایی غیر دینی پیامدهای مخرب در پی دارد؛ این تفکر، علی‌رغم بی‌اعتبار دانستن آموزه‌های دینی در تغییر عمیق زندگی انسان، معنویت را عاملی در سطوح مختلف زندگی انسان می‌داند.^۱

این‌گونه بر داشت از معنویت که بر گرفته از تجربه شخصی یک فرد (رهبر فرقه) باشد تربیت شود، آن تربیت معنوی مسلم پاسخ‌گویی هیچ نیازی نمی‌باشد؛ چون فرد عادی نمی‌تواند حائز ویژگی همه‌جانبه‌نگری و توجه به همه‌ساحت‌های وجودی انسان داشته باشد. چگونه قابل‌پذیرش است که تربیت معنوی از سوی کسی که کاملاً بر همه ابعاد وجودی انسان و قوانین هستی اشراف دارد را رها کرده و به نسخه عرضه شده از سوی رهبر یک فرقه که آن هم برای همه افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها مناسب باشد؟! به عنوان نمونه نسخه معنویت‌های چون اشو، پائولو کوئلیو، سای بابا و ... که به جنبه‌های ناقص به برخی ابعاد وجودی انسان اشاره دارد، (چه بسا این نسخه‌ها به انحراف انسان نیز منجر گردیده) صحنه گذاشته شود.^۲

بنابراین، در اینجا به چند از پیامد رویکرد معنویت‌غیردینی مورد توجه قرار می‌گیرد:

۴-۱. تعبد، وجه ناسازگار دین و معنویت

یکی از آموزه‌های معنویت‌گرایی نوپدید، عقلانیت و اثبات‌پذیر نیست؛ چرا که احکام و آموزه‌های دینی را برخی بر خاسته از نوع احساسات می‌داند. تعبد هم اساساً با حس‌بندگی و عبودیت بیگانه است و حس عبودیت نمی‌تواند معنویت‌ساز باشد. این برداشت از دین و معنویت، اساساً به ناسازگاری و تضاد بین دو مقوله دینداری و معنویت حکم می‌کند، به

۱. باغلی حسین و همکران، نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۶.

۲. شریفی، احمد حسین، درآمد بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص

گونه‌ی که معنویت را از دینداری جدا کرده و قائل به ناسازگاری این دو می‌شود: «تفاوت دینداری و معنویت این است که دینداری اگر تعبد نداشته باشد، دینداری نیست؛ اما معنویت اگر متعبدانه باشد، معنویت نیست.»^۱

با اینکه تفکر معنویت‌گرایی ادعای بر عقلانیت دارد و به این باور است که کسی مدرن محسوب می‌گردد که ترازوی هرگونه رد و قبول، انکار و تأیید، جرح و تعدیل و تضعیف و تقویت را در درون خود قرار دهد. یعنی برای پذیرفتن یا واژدن هر گزاره، یا رد و قبول هر باوری، به مجموعه ادراکات خود توجه کند. عقلانیت یعنی ترازوی هر کس در درون اوست و نه خارج از او. اگر این را بپذیریم جای تردیدی نیست که دینداری با معنویت نوپدید سازگار ندارد.^۲

۴-۶. ستم‌پذیری

آموزه‌ی دیگر معنویت‌های نوظهور این است که مردم را ستم‌پذیر بار می‌آورد و روحیه عزت و آزادگی را در قلب‌ها می‌میراند. این معنویت‌ها می‌کوشند تا مردم را تسلیم نظم موجود و مطیع قدرت‌های فائق گردانند و سکوت در برابر ستم را به آن‌ها می‌آموزاند و به عنوان یک ارزش اخلاقی، تربیتی و معنوی تعلیم می‌دهند.

در فالون دافا، اعتقاد بر این است که هر کس که مورد ظلم واقع می‌شود، در حال تصفیه روحانی و جبران ظلمی است که در زندگی پیشین بر دیگری روا داشته است. کسی که به یاری مظلوم می‌رود، در حقیقت تزکیه او را با مشکل موجه ساخته است. در اندیشه‌های دالایی هر کسی بدی و ظلم می‌کند، خود بیش از همه از درون رنج می‌برد و آزرده می‌شود، در نتیجه نیازی نیست که با او مقابله شود. رنج درونی برایش کافی است و باید او را به حال خود رها گذاشت.

در مقابل این پندارهای غیر ارزشی و بدور از مدنیت و انسانیت؛ اندیشه تربیت سیاسی اسلامی بر این است که «ما هر مقداری که توان داشته باشیم از مظلوم حمایت کنیم و هر

۱. ملکیان، مصطفی، معنویت اگر متعبدانه باشد، معنویت نیست، روزنامه شرق ۲۰ تیرما.

۲. قنادی، علی، دین و معنویت و عقلانیت، مجله آئینه پژوهش، ش ۷.

۳. دالایی لا ما. کتاب کوچک ژرف اندیشی، مترجم: مهرداد انتظاری، تهران: نشر علم، ص ۹۰.

مقداری که توانایی‌های ما وسعت یابد به وظایف مان به خوبی عمل کردیم.^۱ به فرموده امام علی(ع): «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۲ و پیامبر (ص) اسلام، تلاش و تداوم یاری مسلمان را عین سعادت و ارزش انسانی شمرده است: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۳ و در قرآن و در سوره بقره آیه ۲۷۹ می‌فرماید: «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ نباید ستم کنید، و نه گزارید بر شما ستم وارد می‌شود.

۴-۲. دنیا‌گرایی

مبنای معنویت‌گرایان غیر دینی به گفته‌ی والس^۴ بر مبنای استوار می‌باشد که عبارت است از: «دنیا‌گرایی، دنیا‌گزینی و دنیا‌پذیری». هدف‌گایی پوشالین به جهت رشد معنویت‌های نوظهور و مخملین در دامن مدرنیته، و تأثیر‌پذیری از مبانی آن بر می‌گردد. این فرقه‌ها اکثراً صبغه سکولاریستی و دنیا‌گرایی دارند. به همین دلیل، غایت عالی و هدف نهایی بسیاری از این جریانات، اموری دنیوی و مادی است. «شادی و آرامش و امید به زندگی مادی» را می‌توان به عنوان عالی‌ترین هدف معنویت‌های نوپدید به شمار آورد.

البته در طول تاریخ همواره مکاتبی بوده‌اند که هدف‌نهایی نظام اخلاقی خود را آرامش و خوشی می‌دانسته‌اند. به عنوان مثال غایت و هدف‌نهایی اپیکوریان و رواقیان در یونان باستان، آرامش و نشاط و خوشی بوده است. البته شادی مورد نظر اپیکور، شامل شادی‌های معنوی و عقلانی نیز می‌شد، به همین دلیل ممکن بود با رنج‌های جسمانی و مادی همراه باشد. از همین رو اپیکور معتقد بود برای کسب آرامش و آسایش و نشاط در زندگی باید به لذت‌های ضروری و طبیعی اکتفا نمود.

۴-۴. انکار معاد

یکی دیگر از آموزه‌های معنویت‌های نوپدید، انکار آموزه معاد و جایگزین کردن آموزه تناسخ یا بازگشت‌های متوالی به جهان به جای معاد است. شاید بتوان ادعا کرد که تمامی عرفان‌ها و معنویت‌های شرقی و غربی در این نکته اشتراک دارند. تناسخ از ویژگی‌های

۱. اِنَّوَاللهِ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَاَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ وَ اَطِيعُوا اللهَ وَ لَا تَعْصُوهُ؛ از خدا نسبت به بندگانش و شهرهایش پروا کنید زیرا دارای مسئولیتی هستید حتی نسبت به زمینها و حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید.

۲. راغب اصفهانی، حسین، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: خسروی، غلامرضا، تهران، ص ۲۶.

۳. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۳، ص ۲۷۳.

۴. Wallis, R. ۴.

۵. باغنگلی و همکاران، فصلنامه علمی علوم تربیتی، ش ۲۰.

مشهور ادیان و آیین‌های هندی است. این آموزه باطل در یونان باستان و از سوی فیثاغورث نیز مطرح شده است. فیلسوفان و متکلمان مسلمان نیز از ابتدای شکل‌گیری مباحث فلسفی و کلامی، در نقد این آموزه سخن گفته و استدلال‌های مدافعان تناسخ را به نقد کشیده‌اند.^۱

مدعای معتقدان به تناسخ این است که روح انسان به هنگام مرگ، یک سلسله توالد را سپری می‌کند و به صورت متوالی از عالمی به عالم دیگر درمی‌آید؛ بار دیگر به هنگام مرگ به پیکر دیگری منتقل می‌شود و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد. در کنار این عقیده، عقیده دیگری نیز در ادیان هندی به نام «کرمه» یا «کارما» مطرح است که بر اساس آن کیفیت و چگونگی توالد ثانوی و علت انتقال روح یک فرد به جسمی دیگر را توضیح می‌دهد.

لاکمن می‌گوید: «جوامع نوین شاهد دگرگونی ژرفی در رویکرد مذهبی‌اند، بدین‌سان که از استعلاءهای بزرگ که با امور اخروی، زندگی و مرگ سروکار دارند، روی بر گردانده و به استعلاءهای کوچک زندگی که با تحقیق نفس، ابراز وجود و آزادی‌های شخصی سروکار دارند، روی آورده‌اند.»^۲

۵. اهداف تربیت معنوی در اسلام

در جهان امروز، شکل‌گیری معنویت‌های سکولار، عدم لزوم اعتقاد به خداوند و دین، شریعت‌گریزی و دوری از انجام تکلیف‌ها و دستوره‌های الهی در اعمال و رفتار، انکار خداوند و دین‌ستیزی، تحقیق در موضوع معنویت دینی و ارائه‌ی ابعاد و مؤلفه‌های آن را در آموزه‌های اسلامی ضروری می‌سازد.

از یک سو، مفهوم معنویت در نظام تربیتی معاصر حکایت از رویارویی با مفهوم «معنویت» طیفی از دین‌باوری تا معنویت‌باوری فارغ از دین وجود دارد. در یک سوی این طیف، نا متفکران دینی قرار دارند که معتقدند اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می‌کند و غیر از ادیان آسمانی ادیان زمینی نمی‌توانند از معنویت، به مفهومی معنادار، سخن به میان آورند.^۳

۱. <http://nozohor.porsemani.ir> سایت: عرفان‌های نوظهور

۲. همیلتون، ملکم جامعه‌شناسی دین، ص ۳۱۱.

۳. جوادی آملی، ۱۳۸۷.

پس در این قسمت از پژوهش به ذکر چند از اهداف نظام تربیتی اسلام نیاز می‌بینم:

۵-۱. پاکی و امنیت روحی

یکی از اهداف نظام تربیتی اسلام، رسیدن به معنویت و رشد معنوی می‌باشد. «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج لکم یرید لیطهرکم و لیتّم نعمته علیکم لعلکم تشکرون» (مائده، ۶)؛ خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند؛ شاید شکر او را بجا آورید. از این آیه فهمیده می‌شود که تطهیر نفوس از اهداف تشریح دین شمرده شده است. چون انسان با پاکی و تزکیه نفس به معنویت الهی نزدیک می‌گردد. و آیات تزکیه که در سوره‌های بقره آیه ۱۲۹، آل‌عمرآ آیه ۱۶۴، و جمعه آیه ۲، ذکر شده، بازگو کننده‌ی شاخصه‌ها و اهداف مهم تربیت معنوی اسلام می‌باشد. معنویت که اسلام از آن سخن می‌گوید، یک نوع شناخت عالی و پیوند عمیق‌تری با عالم هستی را برقرار می‌کند و این شناخت و ارتباط عمیق محقق نمی‌گردد مگر اینکه حق تقوای الهی را پاس داشته شود: «اتقوا الله حقّ تقاته» (آل‌عمران، ۱۰۲)؛ پاس داشتن حق تقوا این است انسان مانند آب گوارا صاف شود تا نگاه به آن همانند نگاه به آب زلال، همه را آرامش بخشد. قرآن کریم در باره آثار پرهزگاری می‌فرماید: «اگر مردمان شهر و دیار، همه اهل ایمان و تقوا بودند، ما، درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشودیم». (اعراف/۹۶) امیر مؤمنان علی(ع) به بیان این حقیقت می‌فرماید: «شما را به پرهیزکاری توصیه می‌کنم... که آن بیماری‌های قلبی شما را برطرف می‌سازد، و کوردلی را به نور و روشندلی مبدل می‌نماید، و به امراض جسمانی شفا می‌بخشد، و سینه‌ها را از فساد پاک می‌کند، شما را از «درون چرکی» نجات می‌دهد، و پرده‌های ضخیم را که مانع بینایی واقعی است از چشم شما بر می‌دارد. و به دل‌هایتان امنیت می‌بخشد، ظلمات و تاریکی‌ها را به نور و امید دگرگون می‌سازد...»^۱.

۵-۲. معنویت و عدالت

در نظام تربیتی اسلام، معنویت همراه با عدالت محقق می‌گردد؛ از این رو، ترویج و گسترش معنویت و عدالت یکی از اهداف اساسی بعثت انبیا محسوب شده است. چون در اسلام معنویت جدای از عدالت وجود ندارد؛ زیرا تحقق رشد، رستگاری، فوز و فلاح انسان در گرو گسترش عدالت در جامعه‌ی معنوی ممکن می‌گردد. از دستورات اصلی اسلام اینست که «معنویت را با عدالت توأم باید در جامعه برقرار کرد؛ جامعه‌ای که عدالت در آن وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روانی به وجود می‌آید، محرومیت‌ها، ایجاد عقده‌های روانی و عقده‌های روانی...»^۱.

۳-۵. معنویت و بهداشت روانی

در نظام تربیتی اسلام، وجود معنویت در باطن انسانی برای دست یابی به بهداشت روانی یک ضرورت محسوب می‌شود. باور به معنویت، امید و سلامت روانی انسان را به ارمغان می‌آورد. لذا توجه به نیاز معنوی یکی از اجزاء زندگی سالم و پویا شمرده می‌شود. هدف از تربیت معنوی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، نشان دهنده‌ای، شکوفاسازی جوهرای اساس انسانیت و زمینه‌تعالی بخشی آدمی و مستعد نمودن رشد و توسعه اوست.

لذا آقای یونگ با تأکید بر واقعیت روانی، نیاز به معنویت در نوع انسان، تجربه معنوی و روحی را به عنوان جنبه‌های بالقوه سالم و سلامت هستی انسان در نظر می‌گیرد. طبق اظهار نظریه پردازان و تحقیقات که انجام شده است، عدم توجه به نیاز معنوی در واقع مانع رشد و شکوفایی سلامت و بهداشت روانی فرد را تخریب کرده و هم باعث فروپاشی اجتماعی و زوال ارزش‌های معنوی و دینی می‌گردد، از این رو، بهادادن به نظام تعلیم تربیت اسلام، به یم امر دستوری و ضروری می‌باشد.

معنویت در اسلام بر اساس اعتقاد به عالم غیب، جهان ماوراء و اصالت دادن به عالم باطن شکل می‌گیرد؛ معنویت گرایی یعنی غیب گرایی که خدا، قیامت، روح مجرد الهی انسان از مصادیق بارز آن هستند و لذا معنویت منهای خدا و جهان غیب در اسلام قابل تصور نیست.

درد امروز جامعه بشری عملی نشدن آزادی معنوی می باشد. چون این مهم جز از طریق نبوت، انبیاء، دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی توان تأمین گردد. انسانی از یک بعد مادی و شهوانی مرتبط است که مانع آزادی معنوی او می گردد؛ از سوی دیگر، انسان از نیروهای مانند عقل، فطرت، وجدان اخلاقی برخوردار می باشد که زمینه‌ای سعادت ابدی او را فراهم می سازند. پس توجه به این دو بعد و بهره گیری از آنها، آزادی معنوی و زمینه سلامت روانی را محقق می سازد. چنانچه فرانکل سلامت روانی را مرهون سه عامل می داند و می گوید: «معنویت»، «آزادی» و «مسئولیت» جوهره وجود انسان را تشکیل می دهند. و در معنای انسان سالم معنویت می باشد. وی معتقد است در سایه‌ی همین «سلامت معنوی» است که فرد به کمال می رسد و فراتر از ابعاد عینی و مادی زندگی می کند.^۱

در کل از دیدگاه اسلام، انسان معنوی به کسی می شود گفته که گزینه‌های خود را مهار کند و در بند غضب، حرص، طمع، جاه طلبی و افزون خواهی نباشد.^۲

۴-۵. آزادی معنوی

یک از شاخصه‌ها و کارکردهای تربیت معنوی در اسلام، آزادی معنوی است. تفاوتی که میان مکتب انبیاء و مکتب‌های بشری در این است که پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی را نیز به ارمغان بیاورند، آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگر ارزش دارد تنها آزادی اجتماعی مقدس نیست، بلکه آزادی معنوی هم مقدس است؛ آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست.

هرچند معنویت در نظام تربیتی اسلامی، به این معنا که هدف عالی آن، نه دست یابی به نیروهای خارق العاده و نه صرفاً وضعیت‌های روانی مطلوب است، بلکه حقیقتی متعالی و فراتر از تمام نمودهای هستی را می جوید و به همه‌ی هستی معنا می بخشد. باور به وجود حقیقتی که دارای تمام خیرها و کمالات نامحدود و سرچشمه‌ی بی پایان رحمت و زیبایی و بی نیازی است.^۳

۵-۵. شکوفاسازی استعدادها

۱. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۱۶.

۲. جواد عبدلی و همکاران، بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام، ص ۷، ش ۱۲.

۳. مظاهری سیف، حمیدرضا، «از عرفان تا سیاست در آیین و اندیشه‌ی امام خمینی» مجموعه مقالات کنگره‌ی اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی امام خمینی.

تربیت در اسلام، دارای سطوح و درجات می‌باشد؛ ژرفا و عمق تربیت هنگام محقق می‌گردد که معنویت در متن زندگی آدمی متولور گردد. بیگر در تلقی از تربیت معنویت در زندگی می‌نویسد: زندگی تجربه‌ای در حرکت سلسله‌وار بین سطح و عمق است. برای بخش عمیق و ژرف زندگی عبارت «معنویت» مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ چون هدف در تربیت معنوی بارورسازی استعدادهای درونی به‌منظور دستیابی به آرامش روحی و قدرت رهبری استعدادهای خدا دادی خود می‌باشد.

دین عهده‌دار هر سخنی و طرحی هر گونه معرفتی نیست، بلکه سخن معینی برای گفتن دارد؛... شناساندن قدرت و منزلت خدا به انسان و به دست دادن دستور العمل‌های فردی و اجتماعی برای پیمودن راه خدا و تقرب به او، کاری است که دین به‌طور اعم و اسلام به‌طور اخص به عهده گرفته است.^۲

پس از توضیحات، معنویت با رویکرد دینی، حائز ویژگی‌های مشخصی به این شرح خواهد بود:

- ۱- معنویت در ارتباط با وجود خالق معنا می‌یابد.
- ۲- از آنجا که وجود خالق از محسوسات فراتر است، معنویت در فرامحسوسات ریشه دارد.
- ۳- معنویت باید همراه با تحول و هدایت پایدار در زندگی برای فرد معنوی باشد.
- ۴- دستیابی به معنویت باید از طریق راهنمایی‌های دین صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به گستره مفهوم و مصداق معنویت و معنویت گرایی در جهان معاصر، تحقیق موجود نخست در یافتن که وجود معنویت و معنویت گرایی در عالم بدور از پشتوانه دینی امکان پذیر نمی‌باشد. کاستی‌ها و نا کارآمدی نظام تربیتی، در جهان غرب، عامل و سبب اصلی بروز و ظهور مادی گرایی، جدای دین از زندگی آدمی و معنویت گرایی شناخته شده

۱. باغکلی و همکاران، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۶،

۲. باقری، خسرو، هویت علم دینی (نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی)، ص ۱۵۴.

استاز این رو، گرایش به معنویت غیر دینی، سر درگمی و معضلاتی را برای جوامع بشری به وجود آورده است.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد، (۱۳۹۸ق)؛ التوحید (للسدوق)، قم: جامعه مدرسین
۲. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم: دار الحدیث،
۳. اریک فرام، روان کاوی و دین، ترجمه آرسن نظریان؛ به نقل از مجله مشکوه شما ۹۹، سال ۱۳۸۷.
۴. اسپیلکا و دیگران (۱۳۹۰)، روان شناسی دین، بر اساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقان، رشد تهران، ص ۱۴.
۵. ایرانی، هادی، (۱۳۸۶)؛ امانیسم در موج معنویت گرایی سکولار، جله فلسفه و کلام، کتاب نقد
۶. باغگلی حسین و همکاران، (۱۳۹۱)؛ فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.
۷. بشیری، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، نگاهی روان شناختی به آسیب شناسی دین باوری جوانان، ویژه نامه معرفت،
۸. پائول تونیچل، اکتکار کلید جهان های اسرار، مترجم، هوشنگ اهرپور، (۱۳۸۲)، تهران، نگارستان کتاب.
۹. جان، دیون پورت، (۱۳۸۸)؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، ترجمه: غلامرضا سعیدی، تهران: اطلاعات.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، تفسیر موضوعی قرآن مجید، قم: اسراء، ج ۱۱.
۱۱. جهانبگو، (۱۳۷۸)، ماکیاولی و اندیشه رنسانس، تهران: نشر مرکز، بی تا
۱۲. حمیدبه، بهزاد، (۱۳۸۶)؛ معنویت گرایی های نوین از دیدگاه جهانی شدن، شرقی شدن، سکولاریزاسیون، کتاب نقد، زمستان.
۱۳. خسروی باقری و همکاران، (۱۳۹۱)؛ بررسی اصول تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبای، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین؛ (۱۳۹۰)، جریان شناسی ضد فرهنگ ها، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۵. خمینی، روح الله، صحیفه نور، (۱۳۷۶)؛ تهران، سازمان انتشارات و آموزشی انقلاب اسلامی،
۱۶. دیوید ام. وولف، (۱۳۸۶)؛ روانشناسی دین، ترجمه، محمدی دهقادی، تهران: رشد.
۱۷. دالایی لاما. کتاب کوچک ژرف اندیشی، مترجم: مهرداد انتظاری، (۱۳۸۲)، تهران: نشر علم.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، مترجم: خسروی، غلامرضا، تهران، بی تا
۱۹. سلحشور، احمد، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۹۰.
۲۰. سهرابی فر، وحیدو همکار، (۱۳۹۵)؛ پیامدهای مدرنیته برای معنویت گرایی، مجله مطالعات جامعه شناختی، علمی- پژوهشی.
۲۱. شهریاری، شهیدی و همکار، (۱۳۸۱)؛ اصول و مبانی بهداشت روانی، تهران، سمت.
۲۲. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۸)، در آمد بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، قم: صهبای یقین. امام خمینی،
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۱)، طریق عرفان، (ترجمه و شرح رسالولولایه)، ترجمه صادق حسن زاده، قم: بخشایش.
۲۴. _____ (۱۳۸۷)، معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر، قم، نشر تشیع.
۲۵. _____ (۱۳۸۴)، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ترمه سید محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین.
۲۶. عبدی، جواد (۱۳۹۲)، بررسی مؤلفه های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام و روان شناسی.
۲۷. غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۵)، دو رویکرد معاصر در تربیت اخلاقی، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۸. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۳) سیر حکمت در اروپا، حکمت سقراط و افلاطون، تهران: زوار.

۲۹. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، «در باره اخلاقی بودن دین»، ماهنامه آیین.
۳۰. کانت، ایمانوئل (۱۳۸۳)، فلسفه فضیلت، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش نگار.
۳۱. کلوسکو، ج. (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، ج ۳، تهران: انتشار خوارزمی، بی تا.
۳۲. کلینی، محمد، (۱۴۰۷ ق)؛ الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۳. لیدمان، س.ا، (۱۳۷۹)، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس؛ ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر دانش ایران، بی تا.
۳۴. لوسین گلدمن، فلسفه روشنگری، ترجمه شیواکویانی، (۱۳۷۵)، تهران: فکر روز.
۳۵. ماکیاولی، شهریار، (۱۳۶۶)، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نشر پرواز، بی تا
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۳۷. محمد جوادی الوندی، (۱۳۹۳)؛ طرای الگوی مفهومی معنویت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱۶ ق)؛ میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، گفتارهای معنوی، تهران: صدرا، چاپ پنجم،
۴۰. میلر، جان پی (۱۳۸۰)، آموزش و پرورش و روح، ترجمه نادر قلی قورچیان، تهران: فراشناختی اندیشه.
۴۱. مظاهری سیف، حمیدرضا، «از عرفان تا سیاست در آیین و اندیشه ی امام خمینی»، مجموعه مقالات کنگره ی اندیشه های اخلاقی و عرفانی امام خمینی.
۴۲. ملکیان، مصطفی، (۱۳۷۷)؛ حوزه و دنیای جدید: قداست، عقلانیت، علمانیت» راه نو، شماره ۴۹، تیر.
۴۳. نوری، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۴)؛ عقلانیت و معنویت: مبانی و اهداف، فصلنامه، ادیان و عرفان.
۴۴. ورام بن ابی فراس، مسعود، (۱۴۱۰ ق)؛ مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه.
۴۵. ویلسون، برایان، جنبش‌های نوین دینی، ترجمه قلی پور، (۱۳۸۰)؛ مشهد: مرنديس،.
۴۶. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، تهران: تبیان.

